

## کاهش ۳۵ درصدی ابتلا به ایدز در جهان

بررسی هان‌شان می‌دهد که از سال ۲۰۰۰ شمار موارد جدید ابتلا به HIV ۳۵درصد کاهش پیدا کرده و مرگ‌ومیر ناشی از آن افت ۲۴ درصدی داشته است، هم‌اکنون حدود ۱۶ میلیون نفر تحت درمان‌های آنتی‌رتروویرال قرار گرفته‌اند که بیش از ۱۱ میلیون نفر از آنان در آفریقا زندگی می‌کنند. در روز جهانی ایدز، پیشنهادهای جدید سازمان جهانی بهداشت (WHO) به منظور تسهیل دسترسی به این هدف ارائه شده است. این پیشنهادها شامل به کارگیری متدهای نوآورانه تست HIV، سفارشی کردن شیوه‌های درمانی برای برطرف کردن تنوع نیازهای افراد، و ارائه طیف وسیعی از گزین‌های پیشگیرانه است.

یکشنبه ● ۱۵ آذر ۱۳۹۴ ● شماره سی و سه

ا ت ی ۷ ع ه ن و

## زخم‌خمر

در شهر خبرهایی هست



بیماران مبتلا به ویروس ایدز بیش از هر چیز به حمایت نیاز دارند؛ به اینکه خود را تنها و بی پناه نبینند. یاران مثبت باشگاهی است برای دلگرمی دادن به آن‌ها، به کسانی که نمی‌خواهند مغلوب این بیماری شوند.

# دغدغه‌های مثبت‌بودن!

یک روز با بیماران مبتلا به ایدز در بیمارستان امام خمینی (ره)

دنیای خاصشان بگویند.

■ هرگز و هیچ کجا مثبت بودنم را فاش نمی‌کنم

حمید لف، ۲۵ساله زنجانی که بعد از جراحی دوم قرنیه چشمش متوجه ابتلایش به بیماری ایدز شده است، می‌گوید: «شش سال است که به این بیماری مبتلا شده‌ام، بعد از جراحی پیوند قرنیه در سال ۸۸ در بیمارستانی دولتی در تهران دچار پا درد عجیبی شدم. در پاهایم آب جمع شد و چندین مرتبه جراحی کردم. در یکی از جراحی‌ها به علت کم‌خونی سه واحد خون به من تزریق شد، اما روزی‌به‌روز ورم و التهاب و درد شدید پاهایم بیشتر می‌شد و جراحی و دوا و درمان‌های متعدد نتیجه‌بخش نبود. تا جایی که پزشکان به علت عدم‌تشخیص و برای جلوگیری از بدتر شدن وضعیت جسمانی‌ام به قطع کردن جفت پاهایم نظر دادند که من از بیمارستان فرار کردم.»

چشمان سرخ و ملتهب حمید از پشت عینک و قدم‌های لرزان و لنگانش گواه درد و رنج‌هایی است که بر او رفته. «بعد از چند ماه دادن آزمایش‌های مختلف، بیماری‌ام تشخیص داده شد. بارها شنیده بودم که معناتان تزریقی به بیماری ایدز مبتلا می‌شوند، من در محله‌ای زندگی می‌کردم که محل تجمع معناتان بود، اما نمی‌دانستم HIV همان ایدز است. بعد از مبتلا شدنم فهمیدم.» آب دهانش را به‌سختی قورت می‌دهد. «باورش خیلی سخت بود، بطور ممکن بود من که تزریق و رفتار پر خطر نداشتم و معتاد هم نبودم ایدزی شوم. بعد از آشنایی با خانم دکتر محرز و بعد از شرکت در کارگاه‌های باشگاه بیماران مثبت، واقعیت تلخ راه‌های ابتلا و نحوه پذیرش و کنار آمدن با این بیماری را یاد گرفتم.» از اینکه از بیمه سلامت خدمات درمانی برخوردار

است و تمام داروها را رایگان دریافت می‌کند راضی است، اما با حسرت و مکث می‌گوید: «تقریباً از یک سال پیش باید آزمایش‌های معمول و دوره‌ای را با هزینه زیاد انجام می‌دادم ولی چون وسعم نمی‌رسد آن‌ها را انجام نداده‌ام. خیلی از بیماران و دوستان مثبتم در این باشگاه مثل من به علت تنگدستی از انجام آن‌ها محروم شده‌اند.» او از برخورد مناسب و همراهی خانواده‌اش در پذیرش این بیماری می‌گوید: «خدا را شکر همه اقوام بی‌هیچ برخورد نامناسبی من را پذیرفتند، چون همه از جراحی‌های مختلفم برای پیوند قرنیه و بعد پاهایم باخبر بودند و من بعد از این جراحی‌ها مبتلا شدم.» در خصوص شکایت و پیگیری قانونی این موضوع می‌گوید: «در دادگاه‌ها و کمیسیون‌های پزشکی خیلی دوندگی کردم و در نهایت بخشی از پرونده مفقود شد و کمیسیون پزشکی مربوطه زیر بار نرفت. اثبات اینکه ابتلایم به بیماری ایدز به دنبال تزریق خون و جراحی‌ها بوده بی‌نتیجه ماند و رای مبنی بر عدم قصور کادر پزشکی بیمارستان صادر شد.» حمید که یک سال است در باشگاه مشغول به کار است، با اظهار گله از برخورد بسیار نامناسب برخی از اعضای کادر درمانی می‌گوید: «وقتی کادر پزشکی و مثلاً پزشک خودم به مادرم می‌گوید این بیماری خطرناک و غیرقابل درمان است، به او آمپول هوا تزریق کنید تا بمیرد، چه توقعی از مردم عادی باید داشت؟ تا وقتی از بیماری ما بی‌اطلاع‌اند برخورد‌ها خوب است، به‌محض فهمیدن ادواطوار‌ها شروع می‌شود و به همین خاطر من در مراجعه به پزشک هرگز نمی‌گویم مثبتم. پزشکان باید همه را به چشم مثبت ببینند و نکات ایمنی و بهداشتی را رعایت کنند. برخورد‌های نامناسب برخی از اعضای کادر پزشکی و پرستاری



## کتینو | ۰۷

مرا به این پنهان کاری مجبور کرده است.

■ چگونه مثبت شدم!

او اگر چه متولد ۱۳۴۶ است و ۴۸ سال دارد، اما تمام محاسن و موی سرش سفید شده است و دهان خالی از دندانش پیری و کهولت زودرسش را نشان می‌دهد. اسمش را که می‌گوید، در جواب سوالم که آیا به نوشتن اسمش در گزارش راضی است یا نه، می‌گوید مشکلی ندارم اما ننویسید بهتر است. پر حرارت اما دل‌چرکین می‌گوید: «هیچ گله‌ای ندارم، اما از دست آدم‌ها دلم گرفته است. از بس برخوردشان با ما بد است. به مرگ راضی ترم تا زندگی در کنار این آدم‌های خودخواه. مرگ در همین لحظه برای من عین عروسی است.» درباره نحوه ابتلایش می‌گوید: «۲۲سال متداه به هروئین بودم و همان سال‌های زندان بودنم در قزل‌حصار، به دلیل عدم توان پرداخت مهریه، دندانم را در زندان کشیدم. آن روزها هیچ نفهمیدم. بعد از ۵ سال از زندان مرخص شدم و به دنبال پیشنهاد خواهرم که در بیمارستان کار می‌کرد آزمایش دادم، اول باورش سخت بود ولی بعد از تکرار آزمایش و مثبت بودن جواب، دنیا روی سرم آوار شد. من بیمار مثبت بودم. ششمین عضو این باشگاه شدم، تازه این باشگاه تأسیس شده بود.»

لبان خشکیده‌اش را با نمی از خیسی دهانش تازه می‌کند و پرغصه ادامه می‌دهد: «فهمیدن اینکه کجا مبتلا شده‌ام برایم سخت بود، چون من با وجود اعتیاد شدید هرگز تزریق و یا رفتار پرخطری نداشتم. تا اینکه بعد از مدتی یکی از آشنایان هم‌زندانی را دیدم. محتاط و سر بسته انگار می‌خواست چیزی به من بفهماند از سرلسوزی گفت که با توجه به زندانی بودنمان بهتر است آزمایش ایدز بدهیم. آنجا شستم باخبر شد که ممکن است خودش هم مبتلا باشد. تازه باخبر شدیم که اغلب کسانی که آن روز توسط آن دندان‌پزشک در زندان ویزیت شدند همه به این بیماری مبتلا شده‌اند. با دوستان مبتلا برای پیگیری این موضوع بسیار تلاش کردیم، ولی در نهایت با مراجعه به نظام پزشکی فهمیدیم که اصلاً پزشکی با آن نام و نشان وجود ندارد؛ واسطه و مسئول دعوت او به زندان نیز فراری شده بود.» نگاهش را به زمین می‌دوزد و دل‌چرکین می‌گوید: «به دلیل برخورد بد خانواده‌ام، روابطم با اقوام و بستگان خیلی محدود شده است. در حال حاضر با درآمدی که از مسافرکشی با موتورم به دست می‌آورم در اتاق محقری با ۲۰۰ هزار تومان اجاره در گوشه‌ای دورافتاده از تهران زندگی می‌کنم.» با تاسف ادامه می‌دهد: «برای خواهر و دو برادرم بسیار زحمت کشیدم ولی آن‌ها با من خوب تا نکردند. دوره جنگ، پنج سال راننده آمبولاس بودم، ولی هیچ سابقه بیمه‌ای و امیدی برای برخورداری از حقوق از کارافتادگی ندارم. الان که ما به آن‌ها نیازمندیم تنها ما نداریم.» با اشاره به نایلون پر از قرض و کیسول در دستش می‌گوید: «ابتلا به این بیماری سبب ترک اعتیاد شد از این بابت از خدا خیلی ممنونم، چون من کسی بودم که تا مواد زیر بالش نبود خوابم نمی‌برد. این بیماری مهر مواد مخدر را از دلم گرفت، ولی از شدت تحمل انگ و برچسب‌زنی‌های جامعه دچار معده درد و بیماری اعصاب شده‌ام و داروهای مختلف می‌خورم.»

دلخور می‌گوید: «من از آن پزشک قلابی و کسانی که در ابتلای من و امثال من سهیم‌اند که بی‌هیچ رفتار پرخطری به این بیماری مبتلا شدیم نمی‌گذرم و یقین دارم که اگر از دست قانون فرار کردند حتماً تاوان نابود کردن زندگی ما را پس می‌دهند.» نگاه‌های تیز و خراشانک جامعه او را به سه بار اقدام به خودکشی واداشته است. با درد و رنج می‌گوید: «سومین‌بار به علت شکستگی سخت پایم در بیمارستان ۲۰ روز بستری بودم، بی‌آنکه پزشکی برای معاینه و یادرمانم اقدامی کند. چون فهمیده بودند مثبتم. بعد از چندین روز درد کشیدن، پزشکی سالخورده که خدا خیرش دهد دلش به رحم آمد و مداوایم کرد.» پرغصه می‌گوید: «در جامعه‌ای که برخی درمانگران با بیمار ایدزی این‌گونه برخورد می‌کنند نباید توقعی از افراد عادی جامعه داشت.» در پایان می‌گوید: «من با این بیماری (کنار آدم‌ها و از بابت روحیه خوبم، شکر گزار خدا هستم…»)

### آرزوی بیمار، حذف انگ و نگاه تبعیض‌آمیز است

باشند که ویروس این بیماری از طریق معاشرت‌های عادی و از راه تنفس منتقل نمی‌شود.» بیات برگزاری کارگاه‌های آموزشی را یکی از عمده فعالیت‌های مرکز خواند و گفت: «کارگاه‌های آموزشی بهداشت جنسی، مهارت زندگی، جلسات گروهی، پایبندی به درمان، نگاه مثبت به زندگی مثبت، و کاهش استرس بخشی از کارگاه‌های این باشگاه است که به صورت جداگانه برای زن و مرد برگزار می‌شود.» وی افزود: «برگزاری کارگاه‌های هنری و مهارتی و اجرای مسابقات ورزشی و اردو نیز به صورت متناوب در حال برگزاری است.»



به‌گونه‌ای تبعیض‌آمیز و بد برخورد شود که منزوی و از جامعه رانده شود. باید به بیمار ایدزی نیز حق نفس کشیدن آزادانه داده شود و همه آگاه باشند و یقین داشته

یادداشت»

دکتر مینومحرز»

### ایدز و نقش نهادهای تصمیم‌گیر

براساس آمار، ۳۰ هزار بیمار HIV مثبت در کشور داریم و نسبت مردان به زنان ۶۵به۳۵درصد است. ناگفته نماند که همیشه در مقابل آمار رسمی آمار تخمینی هم وجود دارد. با توجه به نیفتته بودن ویروس این بیماری در درازمدت، هنوز یک‌سوم بیشتر بیماران شناسایی نشده‌اند، چراکه بسیاری از مبتلابودن خودبی‌اطلاع‌اند. بسیاری اصلانمی‌دانند ایدز چیست و نمی‌دانند برای کنترل و آزمایش باید به کجا مراجعه کنند و اگر فرد مبتلا خوب و سالم زندگی کند، امکان دارد که این ویروس در بدن او تا ۱۵ سال نهفته بماند. شیب تند و صعودی میزان مبتلایان زن یکی از چالش‌های مقابله‌با این بیماری در کشور است. سال‌ها پیش نسبت ابتلای زن و مرد ۳ به ۷بود، اما در عرض دو سال اخیر میزان ابتلای زنان نسبت به مردان ۱۰ برابر افزایش یافته و به ۳۵ درصد رسیده است که این افزایش نشان‌دهنده ابتلا از طریق روابط جنسی محافظت‌نشده است. مسئله دیگری که به یک متغیر تاثیرگذار در شیوع این بیماری کشنده تبدیل شده است موضوع زنان کارتون‌خواب و کارگران جنسی است. در حال حاضر طبق آمار تخمینی، شهر تهران ۱۷۰۰ زن کارتون‌خواب معناد دارد و طبیعی است که آسیب‌های اجتماعی زنان را بیشتر در معرض خطر ابتلا قرار دهند. با هدف قرار گرفتن این گروه، رنگ هشدار جدیدی اپیدمی موج سوم ایدز از طریق روابط جنسی مدت‌هاست که به صدا درآمده است. دکتر دستجردی در دوران وزارتش وجود کارگر جنسی در کشور را تأیید کرد و معتقد بود که نمی‌توانیم آن‌ها را انکار کنیم، فقط باید درصدد تأمین سلامت آن‌ها باشیم تا سلامت جامعه حفظ شود؛ موضوعی که باید بررسی شود تا چه اندازه جدی گرفته و برای آن اقدام شده است. طرح تحقیقی بررسی شیوع ابتلا به HIV و برخی از بیماری‌های قابل انتقال از راه جنسی در زنان تن‌فروش شهر تهران در سال ۹۰ توسط وزارت بهداشت و با هدف شناسایی و دستیابی به آمار شیوع ایدز در طبقات مختلف جامعه در تهران و سایر استان‌های کشور انجام شد. نتایج این بررسی نشان داد ۴/۵درصد کارگرهای جنسی در ایران به ایدز مبتلا هستند. البته با گذشت ۴سال از آن پژوهش مسلماً این رقم افزایش یافته است. با این حال باید تأکید شود که کارگر جنسی زن یا مرد تفاوتی در اصل موضوع ایجاد نمی‌کندو کنترل این قشر از جامعه باید در اولویت قرار بگیرد، چراکه ابتلا و عدم‌درمان آن‌ها منجر به انتقال ویروس و ابتلای دیگر افراد جامعه می‌شود. نکته مثبت درخصوص اقدامات وزارت بهداشت و مرکز تحقیقات ایدز این است که کار علمی انجام می‌دهند و صورت‌مسئله را پاک نمی‌کنند و به برخی حساسیت‌های بی‌مورد در این زمینه توجه نمی‌کنند، چراکه بی‌توجهی و انکار این مسئله مهم به روند پیشرفت این بیماری و تولد روزافزون کودکان مبتلا توسط کارگران جنسی می‌انجامد.

مسئله تاسف‌بار دیگر در مبارزه برای پیشگیری و مهار این بیماری کشنده میزان استقبال نهادهای دولتی از تحقیقات انجام‌شده است. موضوعی که اگر محقق می‌شد اوضاع به شکل فعلی نبود. با اینکه در ابتدای اپیدمی شدن ایدز در مراکز ترک اعتیاد، مقام معظم رهبری به تمام قوا برای بسیج شدن در راستای پیشگیری و اطلاع‌رسانی در این خصوص دستور صادر کردند و وزارت بهداشت از تمام مراجع عظام قم مجوز دریافت کرد، هیچ کدام از سازمان‌ها آن‌گونه که انتظار می‌رفت همکاری نکردند. رادیو و تلویزیون هم سال‌هاست که خود با سکوت اختیار کردن از ظرفیت فراوان خود در راستای اطلاع‌رسانی از آسیب‌های اجتماعی و این بیماری دریغ می‌کنند. ابتلای افراد تحصیل کرده و مرفه به این بیماری را می‌توان نشانه همین عدم اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به جامعه دانست. اخیراً افراد مختلف و جوانان تحصیل کرده در مرحله پیشرفته این بیماری مراجعه می‌کنند، اگر اطلاع‌رسانی درست و شفاف در این خصوص انجام می‌شد کار به اینجای نمی‌کشید. ترویج و رعایت خوشتن‌داری، وفاداری و روابط جنسی سالم و محافظت‌شده مهم‌ترین راه‌های پیشگیری و کنترل این بیماری است. اما باید پرسید متولی آموزش خوشتن‌داری و آگاهی‌بخشی در کشور کیست؟ آیا آموزش‌وپرورش به کودکان ما مهارت‌های زندگی و شیوه «نه گفتن» به آسیب‌های اجتماعی را یاد داده است؟ و آیا والدین در این زمینه با فرزندانشان شفاف‌صحبت می‌کنند؟ یا این‌حال نمی‌توان منتظر تغییر رویه‌ها در سازمان‌های دولتی ماند و مرکز تحقیقات تلاش دارد با سازماندهی و منسجم کردن سازمان‌های مردم‌نهاد در مسیر پیشگیری و کنترل و اطلاع‌رسانی این بیماری گام بردارد. در تمام دنیا سازمان‌های مردم‌نهاد خبره‌ی‌بیشترین فعالیت را در این عرصه انجام می‌دهند. کشور ما نیز باید به این سمت حرکت کند، باید به این سازمان‌ها آموزش داده شود که آگاهانه و با دید مثبت و حرفه‌ای در این عرصه گام بردارند.

رئیس مرکز تحقیقات ایدز | ایران